LIBRAIRIE REZVI

کتابخانه رضوان

(تأسیس میرزا رضا خان نائینی)
قاضی نور در سال ۱۳۴۹ قمری

اسم کتاب شاهنامه

اسم مصنف فردوسی

بخط نستعلیق

باندازه ۲۰ سانتیم طول و ۱۶ عرض

جزو کتاب ادبیات

نمرهٔ قفسه

نمرهٔ کتابخانه یکهزار و هشتصد و شصت و یک ۱۸۶۱

برای استفاده عموم افتتاح میشود

آفت زدائی شد
تاریخ ۲۰/۳/۴۸

جلد و فیلم تهیه شد

بازبین شد
۱۳۵۳ خ

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب شاهنامه فارسی

مصنف ناظم حکیم ابوالقاسم فردوسی

خطی نستعلیق ۲۵ سطری

سال تحریر ۷۸۲ عدد اوراق ۵۴۹

جزء کتب ادبیات شماره ۴۶

شماره عمومی ۴۲۴۷ شماره قبض ۱۶۶۵

واقف میرزا رضا خان نائینی تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱

طول ۲۶ عرض ۱۶ سانتیمتر قفسه

تاریخ فوق صحت ندارد و مجعول است

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

بازبین شد
۱۳۵۳ خ

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله آغاز شهنامه بنام آنکه او هست خلاق ما
خداوند روزی ده دستگیر خداوند بخشنده و دادگر

خداوند جان و روان و خرد کزاو برتر اندیشه برنگذرد
خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای
خداوند کیهان و گردان سپهر فروزنده ماه و ناهید و مهر
چو یکبین شوی بگذری از دوی نگنجد دران درگه ما و توی
ز نام و نشان و گمان برتر است نگارنده بر شده گوهر است
به بینندگان آفریننده را نبینی مرنجان دو بیننده را
نیابد بدو نیز اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه
سخن هرچه زین گوهران بگذرد نیابد بدو راه جان و خرد
خرد گر سخن برگزیند همی همانا گزیند که بیند همی
ستودن نداند کس او را چو هست میان بندگی را ببایدت بست
بدین آلت و رای جان و روان ستود آفریننده را چون توان
بهستیش باید که خستو شوی ز گفتار بیکار یکسو شوی
پرستنده باشی و جوینده راه بژرفی بفرمانش کردن نگاه
توانا بود هرکه دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود
ازین پرده برتر سخن راه نیست ز هستیش اندیشه کوتاه نیست
چه معلوم شد هستی کردگار دگر خاطر خویش رنجه مدار
ستایش خرد را از اهل خرد بدین جایگه گفتن اندر خورد

اندر داستان خرد

چه دیدار یابد بشاخ سخن کسی کو خرد راند اندر سخن
کنون تا چه داری بیاری خرد که گوش نیوشنده زو برخورد
خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد بهر دو سرای
خرد بهتر از هرچه ایزد بداد ستایش خرد را به از راه داد
ازو شادمانی وزو مردمیست ازویت فزونی و زویت کمیست
کسی کو ندارد خرد را به پیش دلش گردد از کرده خویش ریش
خرد تیره و مرد روشن روان نباشد همی شادمان یک زمان
چه گفت آن هنرمند مرد خرد که دانا ز گفتار او برخورد
هشیوار دیوانه خواند ورا همان خویش بیگانه داند ورا
که از وی بهر دو سرا ارجمند گسسته خرد پای دارد ببند
خرد چشم و جانست چون بنگری تو بی چشم شادان جهان نسپری
نخست آفرینش خرد را شناس نگهبان جانست و این را سپاس
سپاس تو جانست و چشم و زبان کزینت رسد نیک و بد بیگمان
خرد را و جان را که یارد ستود وگر من ستایم که یارد شنود
بدانش ز دانندگان راه جوی بگیتی بپوی و بهر کس بگوی
بهر دانشی چون سخن بشنوی ز آموختن یک زمان نغنوی
حکیمان چو کس نیست گفتن چه سود ازین پس بگو کافرینش چه بود
توی کرده کردگار جهان بدانی همی آشکار و نهان

کزاو

بادشاهی بلاکس پنج سال بود
بادشاهی شیرویه هشت ماه بود
ملوک عجم سی سال بود

بادشاهی نوشیروان چهل و هشت سال بود
بادشاهی توران دخت شش ماه بود

بادشاهی هرمز دوازده سال بود
بادشاهی آزرم دخت چهار ماه بود

بادشاهی خسرو سی هشت سال [illegible]
بادشاهی یزدجرد [illegible]

تمام شد فهرست بادشاهان از پیش

داران و کیانیان و اشکانیان
و ساسانیان از فرزندان ارشل بدر
اسکندر عهده داران فارس
و عراق ایشانرا و از ملوک
طوایف بزرگ تر بند
باقی هر ملکی جداگانه
بادشاهی از عهد اسکندر
و داخل عجم
[illegible] بالله [illegible]

باز بین شد
۱۳۷۱ ش

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
باز بینی شد

باز بین شد
خ ۱۳۵۳